

اظهار نظر مجمع مشورتی حقوقی

در خصوص:

- طرح الحاق موادی به قانون نحوه اجرای اصل چهل و نهم (۴۹) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
- طرح تشکیل وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی (اعاده شده)
- لایحه اصلاح قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی (اعاده شده)
- طرح تعیین تکلیف کارشناسان بیمه کشاورزی (اعاده شده)
- لایحه موافقتنامه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری خلق چین در خصوص همکاری در زمینه بهداشت و قرنطینه دامی
- طرح حمایت از توسعه صنایع پایین دستی نفت خام و میعانات گازی با استفاده از سرمایه‌گذاری مردمی

کد گزارش: ۹۸۰۵۰۳۶

تاریخ انتشار: ۱۳۹۸/۰۵/۰۱

پژوهشکده شورای نگهبان

شناسنامه گزارش

موضوعات:

- طرح الحاق موادی به قانون نحوه اجرای اصل چهل و نهم (۴۹) قانون اساسی
جمهوری اسلامی ایران ۲
- طرح تشکیل وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی (اعاده
شده)..... ۱۶
- لایحه اصلاح قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان
ایرانی با مردان خارجی (اعاده شده)..... ۱۸
- طرح تعیین تکلیف کارشناسان بیمه کشاورزی (اعاده شده) ۱۹
- لایحه موافقتنامه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری خلق
چین در خصوص همکاری در زمینه بهداشت و قرنطینه دامی ۲۳
- طرح حمایت از توسعه صنایع پایین دستی نفت خام و میعانات گازی با
استفاده از سرمایه‌گذاری مردمی ۲۵

تهیه‌کننده: پژوهشکده شورای نگهبان

شماره گزارش: ۹۸۰۵۰۳۶

تاریخ تنظیم: ۱۳۹۸/۰۵/۰۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

طرح الحاق موادی به قانون نحوه اجرای اصل چهل و نهم (۴۹) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

مقدمه

طرح یک فوریتی «الحاق موادی به قانون نحوه اجرای اصل چهل و نهم (۴۹) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران» که در تاریخ ۱۳۹۷/۱۱/۱۴ با عنوان «طرح اعاده اموال نامشروع و اجرای اصل چهل و نهم (۴۹) قانون اساسی» اعلام وصول شده بود، در جلسه علنی مورخ ۱۳۹۸/۴/۲۳ مجلس شورای اسلامی به تصویب رسیده است و به منظور اجرای اصل ۹۴ قانون اساسی در تاریخ ۱۳۹۸/۴/۲۶ برای شورای نگهبان ارسال شده است. در ادامه به بررسی مفاد این طرح پرداخته می شود.

شرح و بررسی

در این قسمت ابتدا کلیات طرح مورد بررسی قرار گرفته و سپس نکاتی در خصوص برخی از مواد مصوبه بیان می شود.

الف: کلیات

پس از انقلاب اسلامی و با تصویب قانون اساسی یکی از موارد مهمی که در اجرای قانون اساسی و نیل به اهداف آن ضرورت داشت، تصویب قوانین در خصوص برخی از اصول قانون اساسی بود. اصل ۴۹ قانون اساسی یکی از اصولی است که اجرای آن نیازمند قانونی جامع بود تا ابعاد مختلف آن را پوشش دهد. از این رو مجلس شورای اسلامی در تاریخ

۱۳۶۳/۵/۱۷ «قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»^۱ را به تصویب رساند. محورهای عمده این قانون که به منظور بررسی طرح حاضر آگاهی نسبت به آن ضروری می‌باشد به شرح زیر است:

۱. بر اساس ماده (۲)^۲ این قانون، اصل بر مشروعیت دارایی و اموال اشخاص است مگر در مواردی که خلاف آن اثبات شود. بنابراین مبنای قانون، مشروعیت اموال اشخاص است و صرفاً در مواردی که دلایل و اماراتی موجب شبهه در چنین اصلی شود، این قانون در خصوص آن مجری خواهد بود.

۲. در ماده (۳)^۳ شعب خاصی از دادگاه انقلاب به موضوع این قانون اختصاص پیدا کرده‌اند. بنابراین رسیدگی و صدور حکم در مراجع قضایی و دادگاه صورت می‌گیرد.

۳. برای شروع رسیدگی مطابق این قانون، دو فرایند پیش‌بینی شده است. اول آنکه در ماده (۴)^۴ قانون تصریح شده است. بر اساس این ماده، هریک از

۱. در خصوص این قانون گفتنی است در تاریخ ۱۳۶۲/۱۱/۲۴ مصوبه مذکور به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است و به موجب نظر شماره ۱۰۷۹۱ مورخ ۱۳۶۲/۱۲/۱۵ شورای نگهبان مورد ایراداتی قرار گرفته است. سپس مجلس به منظور رفع ایرادات شورای نگهبان، مصوبه اصلاحی خود را در جلسه ۱۳۶۳/۵/۱۷ به تصویب رسانید که این مصوبه با توجه به عدم اعلام نظر شورای نگهبان و به استناد ذیل اصل ۹۴ قانون اساسی لازم‌الاجرا شد.

۲. ماده ۲- دارای اشخاص حقیقی و حقوقی محکوم به مشروعیت و از تعرض مصون است مگر در مواردی که خلاف آن ثابت شود.

۳. ماده ۳- به منظور اجرای اصل چهارم و نهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران شورای عالی قضایی موظف است در مرکز هر یک از استان‌های کشور و شهرستان‌هایی که لازم بداند شعبه یا شعبی از دادگاه انقلاب را جهت رسیدگی و ثبوت شرعی دعوی مطروحه معین نماید.

۴. ماده ۴- در اجرای ماده ۳ این قانون هر یک از وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها و شرکت‌ها و دستگاه‌های دولتی و وابسته به دولت و شهرداری‌ها موظف‌اند سوابق همه وزرا، معاونان، مدیران کل وزارتخانه و استان، ذی‌حسابی‌ها، استانداران، فرمانداران، شهرداران، رؤسا و مدیریت‌ها و سرپرستان سازمان‌ها و شرکت‌ها و حسب مورد پرونده‌های طرفین قراردادهای و مقاطعه‌کاری‌ها و سوءاستفاده‌ها و تبانی‌های غیرقانونی و افراد و عوامل حیث‌ومیل بیت‌المال را بررسی و هرگاه به موارد مشمول اصل ۴۹ قانون اساسی برخورد نمودند به صورت شکایت، دادخواست و یا گزارش در محاکم

وزارتخانه‌ها سازمان‌ها و سایر موارد مذکور در ماده موظفانند سوابق وزراء، مدیران کل و ... را بررسی کنند و اگر موضوعات مشمول اصل ۴۹ قانون اساسی را مشاهده کردند به صورت شکایت، دادخواست یا گزارش، مراجع صالحه را مطلع نمایند. در حالت دوم و به استناد ماده (۵)^۱ قانون، دادستان مکلف شده است رأساً نسبت به اموال و دارایی اشخاصی که در این ماده احصاء شده‌اند به شرط وجود دلایل و امارات مبنی بر نامشروع بودن آن اموال، نزد دادگاه صالح طرح شکایت نماید. بنابراین از یک سو وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های اجرایی به طور کلی موظفانند خود در صورت مشاهده موارد موضوع اصل ۴۹ قانون اساسی گزارش نمایند و از سوی دیگر برای دادستان نسبت به اموال برخی اشخاص تکلیف ابتدایی وجود دارد.

۴. در نهایت موضوع توسط دادگاه صالح رسیدگی و منجر به صدور حکم می‌شود و اموال به صاحب حق رد می‌شود.

حال با عنایت به سوابق مزبور، با توجه به اینکه در ماده (۵) قانون موجود، اشخاص به صورت حصری ذکر شده‌اند^۲، در مواردی که دادستان بر

→

قضایی صالحه طرح نمایند.

تبصره- نسبت به موارد قبل از پیروزی انقلاب اسلامی (۵۷،۱۱،۲۲) دستگاه‌های فوق‌الذکر موظفانند حداکثر ظرف مدت یک سال پس از تصویب این قانون شکایت و یا دادخواست و یا گزارشات را تهیه و تقدیم محاکم صالحه نمایند.

۱. ماده ۵- دادستان موظف است رأساً نسبت به اموال و دارایی اشخاص حقیقی یا حقوقی در موارد زیر که آن‌ها را با توجه به دلایل و امارات موجود نامشروع و متعلق به بیت‌المال یا امور حسبیه تشخیص دهد از دادگاه صالح رسیدگی و حکم مقتضی را تقاضا نماید. ...

۲. ماده ۵- ...

۱- کارمندان ساواک منحل.

۲- کسانی که عضویت یا فعالیت در تشکیلات فراماسونری و ارتباط با سازمان‌های جاسوسی بین‌المللی داشته‌اند.

۳- اعضاء و صاحبان سهام در مؤسسات و شرکت‌های مصادره شده به حکم دادگاه‌های انقلاب یا چندملیتی و شرکت‌ها و مؤسسات آمریکایی و اسرائیلی و انگلیسی.

۴- کلیه وزراء و معاونین آنان، استانداران، سفراء، وزیران مختار، رؤسای کل بانک مرکزی و مدیران کل بانک‌های

←

اساس دلایل و امارات موجود نسبت به اموال فردی خارج از اشخاص موضوع ماده (۵)، تردید می‌نمود که از طرق نامشروع حاصل شده است، نمی‌توانست به این قانون استناد کرده و موضوع را به دادگاه صالح ارجاع نماید. از این رو طراحان مصوبه حاضر، در راستای تکمیل قانون فوق‌الذکر اقدام کرده و مصوبه حاضر در این راستا قابل تحلیل است.

نکته مهم و قابل توجه آن است که این مصوبه الحاق به قانون پیشین است که اگرچه مبنای اولیه این قانون مشروعیت اموال و دارایی اشخاص است (ماده ۲ قانون). اما هنگامی که در مورد شخصی با توجه به ادله و امارات موجود گمان قریب به یقین پیش آید که اموال وی نامشروع است، اصل برائت دیگر در این موارد جاری نخواهد بود (نظیر چنین موضوعی را می‌توان در خصوص «پولشویی» نیز مشاهده نمود). به عنوان مثال فردی که از ابتدای فعالیت‌های شغلی در مناصب دولتی مشغول به فعالیت بوده است و پس از چند سال اموال و دارایی وی معادل چند صد میلیارد تومان است، در مظان این سؤال قرار می‌گیرد که ثروت مزبور از چه طریقی حاصل شده است. در حقیقت وضعیت این فرد سبب می‌شود که اصل اولیه برائت کنار گذاشته شده و فرد باید مشروعیت اموال خود را اثبات نماید. در این فرض اگر شخص بتواند ثابت کند که اموال مزبور از طرق مشروعی به دست آمده است، مثلاً خارج از ساعات اداری به کسب و کاری که ممنوعیت قانونی

→

خصوصی و دولتی، مدیران عامل سازمان‌های دولتی و مؤسسات وابسته به دولت، مدیران کل ثبت اسناد و املاک و اوقاف و رؤسای گمرک در رژیم گذشته.

۵-

۱۳ - کلیه اشخاص حقیقی یا حقوقی که مبادرت به فروش یا تصاحب اراضی موات و مباحات اصلی نموده‌اند.

نداشته است اشتغال داشته یا در عرصه ساختمان‌سازی فعالیت می‌کرده است و یا مواردی از این قبیل و از آن طریق ثروتی هرچند زیاد کسب کرده است. بنابراین مشروعیت اموال جمع‌آوری شده احراز می‌شود. اما در مورد شخصی که نتواند مشروعیت اموال را اثبات نماید حکم به عدم آن صادر شده و باید آن دسته از اموالی را که به موجب حکم دادگاه، حکم به نامشروع بودن آن شده است اعاده کند.

نکته دیگری که در این مصوبه توجه به آن ضروری می‌باشد آن است که دادگاه‌های رسیدگی‌کننده به «اموال نامشروع و اعاده آن» دادگاه‌های حقوقی هستند و نباید این موضوع را با رویکرد کیفری تحلیل نمود. ماده (۲۰) الحاقی موضوع ماده (۵) مصوبه به این موضوع تصریح دارد و شعب حقوقی ویژه‌ای را در دادگاه‌های اصل چهل و نهم قانون اساسی برای رسیدگی به دعاوی موضوع این بخش از قانون تشکیل داده است. اینکه رسیدگی ابتدایی به موضوع این مصوبه در صلاحیت «دادستان» پیش‌بینی شده است نیز ارتباطی با کیفری بودن ماهیت رسیدگی پیدا نمی‌کند، چراکه اساساً دادستان وظایف متعددی بر عهده دارد که برخی از آن‌ها ماهیت حقوقی و امور حسبه دارند نظیر نصب قیم، حفظ و نظارت بر اموالی که باید برای آن امین تعیین شود.

با عنایت به توضیحات فوق به بررسی مفاد مصوبه خواهیم پرداخت.

ب: جزئیات

ماده (۱) - تذکر و نکته

۱. در متن این ماده پس از عبارت «رؤسا، مدیران و مسئولان» لازم است

واژه «دستگاه‌های» افزوده شود.

۲. بر اساس این ماده که به عنوان ماده (۱۶) به قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی الحاق شده است، احکامی از برخی مواد قانون مذکور در خصوص اشخاص مذکور در این ماده نیز اجرایی می‌گردد. همان‌طور که در کلیات گزارش نیز بیان شد، احکامی که در مواد مزبور ذکر شده است در صورتی اجرایی و آغاز می‌شود که دادستان با توجه به دلایل و امارات موجود، اموال یکی از اشخاص موضوع ماده را نامشروع تشخیص دهد. در این موارد موضوع را به دادگاه صالح جهت رسیدگی ارجاع می‌کند.

بنابراین، احکامی نظیر آنچه در ماده (۶)^۱ قانون آمده است که اشخاص موضوع این ماده موظفانند صورت اموال و دارایی خود و خانواده تحت تکفل خود را به دادگاه تسلیم کنند، ارتباطی با رسیدگی به دارایی مقامات و مسئولین، موضوع «قانون رسیدگی به دارایی مقامات، مسئولان و کارگزاران جمهوری اسلامی ایران» ندارد. به عبارت دیگر، بر اساس این مصوبه، در مواردی که اموال شخصی، به‌موجب دلایل و امارات مشخص و موجود، از سوی دادستان نامشروع تلقی شود، مراتب مقرر در این قانون اجرا خواهد شد و این مراتب ابتدا به ساکن و در مورد همه مشمولین قانون اجرایی نمی‌شود.

۳. در خصوص استناد به ماده (۳) قانون رسیدگی به دارایی مقامات، مسئولان و کارگزاران جمهوری اسلامی ایران نیز گفتنی است که اساساً حکم این دو قانون با یکدیگر متفاوت است و ایرادی از این حیث به

۱. ماده ۶- اشخاص حقیقی و حقوقی مذکور در ماده ۵ مکلفانند طرف مدت سه ماه از تاریخ ابلاغ دادگاه صورت اموال و دارایی خود و خانواده تحت تکفل خود را به دادگاه تسلیم و رسید آن را دریافت دارند.

مصوبه وارد نیست. توضیح آنکه، با توجه به اینکه قانون اخیرالذکر توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام به تصویب رسیده است و در ماده (۳) و در قالب ۲۴ بند اشخاصی را برشمرده است، ممکن است این توهم پیش آید که ذکر این ماده در مصوبه حاضر، به منزله توسعه احکام قانون یادشده است و از این حیث مغایر اصل ۱۱۲ قانون اساسی قلمداد شود. اما همان طور که در بند بالا هم توضیح داده شد، اساساً احکام این مصوبه با آنچه در قانون رسیدگی به داریی مقامات آمده متفاوت است. آنچه موضوع آن قانون است، ارائه فهرستی از داریی مسؤولین، در آغاز و پایان مسئولیتشان می باشد، درحالی که در این قانون، در صورتی که داریی یک شخصی با شرایطی، مظنون به نامشروع بودن باشد، اعم از اینکه دارای مسئولیت باشد یا شخصی عادی باشد، توسط دادستان مورد رسیدگی قرار گرفته و در صورتی که دادستان با دلایل و امارات موجود، موضوع را به دادگاه ارجاع دهد، دادگاه فهرست اموال فرد را تقاضا می کند. لذا اساساً این موضوع با موضوع قانون رسیدگی به داریی مقامات متفاوت است. در حقیقت بجای اینکه فهرستی بلند از اشخاص در این قانون نوشته شود، از ماده (۳) آن قانون استفاده شده است.

۴. در خصوص عنوان «ظن قوی» مذکور در تبصره «۳» این ماده باید گفت که این مفهوم پیش از این نیز در قوانین بیان شده است. مواد (۱۳۷)^۱،

۱. تفتیش و بازرسی منازل، اماکن بسته و تعطیل و همچنین تفتیش و بازرسی اشیاء در مواردی که حسب قرائن و امارات، ظن قوی به حضور متهم یا کشف اسباب، آلات و ادله وقوع جرم در آن وجود دارد، با دستور بازررس و با قید جهات ظن قوی در پرونده، انجام می شود.

۱(۱۵۲) و ۲(۶۷۱) قانون آیین دادرسی کیفری به این مفهوم اشاره دارد و در صورتی که حسب دلایل و امارات ظن قوی نسبت به کشف جرم در مواردی وجود داشته باشد، آن را به رسمیت شناخته و بر اساس آن مجوزهایی صادر کرده است. لذا مفهومی است که در عرف نظام حقوقی و قضایی ما پذیرفته شده است.

ماده (۲) - تذکر

۱. عنوان صحیح دیوان محاسبات، «دیوان محاسبات کشور» است و واژه «کل» اضافه است و باید حذف شود.

۲. با توجه به ماده (۱۸) الحاقی موضوع ماده (۳) مصوبه، که «دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان» را مورد خطاب قرار داده است، به نظر می‌رسد در تبصره این ماده، شهروندان و سازمان‌های مردم‌نهاد باید اطلاعات مربوط را به «دادستان ذی‌ربط» ارائه کنند. لذا به نظر لازم است اولین عبارت «دادستان کل» در این تبصره باید به «دادستان ذی‌ربط» اصلاح شود.

ماده (۴) - ابهام

۱. عبارت «سوءاستفاده از مقام و موقعیت شغلی از قبیل سوءاستفاده از اطلاعات ناشی از جایگاه» مذکور در این ماده دارای ابهام است. توضیح آنکه با توجه به اینکه بر اساس این مصوبه، در صورتی که احراز شود که

۱. تفتیش و بازرسی مراسلات پستی مربوط به متهم در مواردی به عمل می‌آید که ظن قوی به کشف جرم، دستیابی به ادله وقوع جرم و یا شناسایی متهم وجود داشته باشد. در این صورت، بازپرس از مرجع مربوط می‌خواهد، این مراسلات را توقیف کند و نزد او بفرستد. ...

۲. تفتیش و توقیف داده‌ها یا سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی به موجب دستور قضائی و در مواردی به عمل می‌آید که ظن قوی به کشف جرم یا شناسایی متهم یا ادله جرم وجود دارد.

اموال شخصی نامشروع است، مشمول این قانون خواهد بود و اموال مزبور و عواید ناشی از آن اعاده خواهد شد، لذا تعریف عنوان اموال نامشروع باید به گونه‌ای باشد که در عین جامعیت دربردارنده ضوابط تشخیص باشد. این در حالی است که مفهوم «سوءاستفاده» یک مفهوم موسع بوده و از این حیث محل ابهام می‌باشد. البته گفتنی است این مفهوم پیش از این نیز در سایر قوانین ذکر شده است که از جمله آن‌ها بند «۳۰» ماده (۸)^۱ قانون رسیدگی به تخلفات اداری است.

۲. همچنین حکم مقرر در تبصره این ماده نیز واجد ابهام است. چراکه مشخص نیست منظور از این تبصره آن است که در مقام احراز نامشروع بودن از سازوکارهای مذکور در قانون مبارزه با پول‌شویی استفاده می‌شود یا اینکه مقصود از آن، احراز بالفعل است و هر آنچه در قانون مبارزه با پول‌شویی آمده است، به عنوان اموال نامشروع تلقی می‌گردد. به عنوان مثال در تبصره‌های ماده (۲)^۲ قانون مبارزه با پول‌شویی احکامی آمده است که

۱. ماده ۸ - تخلفات اداری به قرار زیر است: ... ۳۰ - سوءاستفاده از مقام و موقعیت اداری.

۲. ماده ۲ - پول‌شویی عبارت است از:

الف - تحصیل، نملک، نگهداری یا استفاده از عواید حاصل از ارتکاب جرائم با علم به منشأ مجرمانه آن.
ب - تبدیل، مبادله یا انتقال عوایدی به منظور پنهان یا کتمان کردن منشأ مجرمانه آن یا علم به اینکه به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم از ارتکاب جرم به دست آمده یا کمک به مرتکب جرم منشأ به نحوی که وی مشمول آثار و تبعات قانونی ارتکاب آن جرم نشود.

پ - پنهان یا کتمان کردن منشأ، منبع، محل، نقل و انتقال، جابه‌جایی یا مالکیت عوایدی که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در نتیجه جرم تحصیل شده باشد.

تبصره ۱- هرگاه ظن نزدیک به علم به عدم صحت معاملات و تحصیل اموال وجود داشته باشد مانند آن که نوعاً و با توجه به شرایط امکان تحصیل آن میزان دارایی در یک زمان مشخص وجود نداشته باشد مسؤلیت اثبات صحت آن‌ها بر عهده متصرف است. منظور از علم در این تبصره و تبصره (۳) همان است که در قانون مجازات اسلامی برای علم قاضی تعریف شده است.

تبصره ۲ - دارا شدن اموال موضوع این قانون منوط به ارائه اسناد مثبت می‌باشد. علاوه بر این چنانچه ارزش اموال مزبور بیش از ده میلیارد (۱۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال برای سال پایه و معادل افزایش یافته آن بر اساس نرخ تورم برای مهر و موم‌های بعد باشد وجود سابقه از آن در سامانه‌های مربوطه مطابق قوانین و مقررات لازم است. عدم تقدیم

←

مشخص نیست آیا این احکام نیز به موجب این تبصره در اعمال این مصوبه حاکم است یا خیر.

ماده (۶) - ابهام

بر اساس ماده (۲۱) الحاقی موضوع این ماده، دادستان موظف است از برخی افراد مذکور در ماده (۶) قانون مبارزه با پول‌شویی و دستگاه‌های موضوع بند «الف» ماده (۱۱۷) قانون برنامه ششم توسعه استعلام نماید. به منظور ضمانت اجرای ارائه پاسخ صحیح و کامل از سوی اشخاص و دستگاه‌های استعلام شونده، به موجب ذیل ماده برای اشخاص دولتی مجازات انفصال از خدمات دولتی و عمومی و برای اشخاص مشغول به کار در بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری خصوصی، منع اشتغال پیش‌بینی شده است. اما در بین اشخاص موضوع ماده (۶) قانون مبارزه با پول‌شویی اشخاصی نظیر «وکلائی دادگستری» و «کارشناسان رسمی دادگستری» نیز

→

اسناد مثبتی که قابل راستی آزمایی باشد به حکم دادگاه مستوجب جزای نقدی به میزان یک چهارم ارزش آن اموال خواهد بود، در این صورت اصل مال موضوع قانون تا زمان رسیدگی قضائی توقیف می‌شود. چنانچه پس از رسیدگی اثبات شود دارا شدن مشروع بوده از مال رفع توقیف و در غیر این صورت ضبط می‌شود. تبصره ۳ - چنانچه ظن نزدیک به علم بر تحصیل مال از طریق نامشروع وجود داشته باشد در حکم مال نامشروع محسوب و مرتکب در صورتی که مشمول مجازات شدیدتری نباشد به حبس درجه شش محکوم می‌شود. در هر صورت مال مزبور ضبط خواهد شد مگر اینکه تحصیل مشروع آن اثبات شود.

* فصل پنجم - علم قاضی

ماده ۲۱۱ - علم قاضی عبارت از یقین حاصل از مستندات بین امری است که نزد وی مطرح می‌شود. در مواردی که مستند حکم، علم قاضی است، وی موظف است قرائن و امارات بین مستند علم خود را به‌طور صریح در حکم قید کند. تبصره - مواردی از قبیل نظریه کارشناس، معاینه محل، تحقیقات محلی، اظهارات مطلع، گزارش ضابطان و سایر قرائن و امارات که نوعاً علم آور باشند می‌تواند مستند علم قاضی قرار گیرد. در هر حال مجرد علم استنباطی که نوعاً موجب یقین قاضی نمی‌شود، نمی‌تواند ملاک صدور حکم باشد.

ماده ۲۱۲ - در صورتی که علم قاضی با ادله قانونی دیگر در تعارض باشد اگر علم، بین باقی بماند، آن ادله برای قاضی معتبر نیست و قاضی با ذکر مستندات علم خود و جهات رد ادله دیگر، رأی صادر می‌کند. چنانچه برای قاضی علم حاصل نشود، ادله قانونی معتبر است و بر اساس آن‌ها رأی صادر می‌شود.

وجود دارند. ابهامی که مطرح می‌شود آن است که در خصوص این دسته از افراد نه عنوان «انفصال از خدمات دولتی و عمومی» صدق می‌کند و نه «منع اشتغال در بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری خصوصی» شامل آن‌ها می‌شود. به عبارت دیگر اگر منظور از انفصال در خصوص این اشخاص تعلیق یا ابطال پروانه فعالیت آن‌ها باشد، چنین حکمی مستلزم تصریح است، در غیر این صورت برخی از اشخاص مورد مجازات قرار گرفته و برای برخی دیگر مجازاتی پیش‌بینی نشده است.

ماده (۷) - مغایرت با اصول ۴۰ و ۴۹

۱. بر اساس ذیل ماده (۲۲) الحاقی، دادگاه پس از ختم رسیدگی، «عندالاقضاء حکم به اعاده اموال نامشروع به نفع دولت صادر می‌کند.» اطلاق این عبارت در مواردی که اموال متعلق به شخص دیگر یا نهاد دیگری بوده باشد و توسط محکوم، به صورت نامشروع اخذ شده باشد محل ایراد است. توضیح آنکه مطابق تبصره ماده (۵)^۱ قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی، شاکی خصوصی نیز می‌تواند نسبت به موضوعات این قانون نزد دادگاه طرح شکایت کند. همچنین در صورتی که موضوع محکومیت، اموال متعلق به نهادی غیر از دولت باشد از قبیل آستان‌های مقدسه، وقف یا اموالی که اداره آن‌ها توسط ولی فقیه صورت می‌گیرد نظیر اموال در اختیار بنیاد مستضعفان، اطلاق واژه دولت مذکور در این ماده شامل این موارد نمی‌شود. ماده (۸)^۲ قانون و نیز عبارت مذکور در تبصره همین ماده شاهدی

۱. تبصره - در مورد اصل ۴۹ نسبت به دعوی شخصی پس از شکایات شاکی، دادگاه رسیدگی خواهد کرد.

۲. ماده ۸ - دادگاه پس از احراز نامشروع بودن اموال و دارایی اشخاص حقیقی و یا حقوقی در صورتی که مقدار آن معلوم باشد چنانچه صاحب آن مشخص است باید به صاحبش رد شود ولی اگر صاحب آن مشخص

است بر اینکه همه اموال موضوع این قانون لزوماً مربوط به دولت نیست. این در حالی است که بر اساس ذیل اصل ۴۹ قانون اساسی، دولت باید اموال نامشروع را پس از ثبوت شرعی باز پس گرفته و به صاحب حق رد کند. از این رو این ماده مغایر اصول ۴۰ و ۴۹ قانون اساسی می‌باشد.

۲. عبارت «پس از گردش خزانه» باید به عبارت «پس از واریز به خزانه» اصلاح شود.

ماده (۸) - مغایرت با اصل ۳۴ و تذکر

بر اساس این ماده، صرفاً محکوم‌علیه یا دادستان می‌توانند در صورت اعتراض به رأی صادره از شعبه بدوی، درخواست تجدیدنظر بدهند. دستگاه‌های موضوع ماده (۱۷) الحاقی موضوع ماده (۲) مصوبه نیز صرفاً در صورت تأیید دادستان می‌توانند درخواست تجدیدنظر را به مرجع صالح تقدیم کنند؛ اما همان‌طور که در ماده قبل نیز بیان شد، به استناد تبصره ماده (۵) قانون، اشخاص خصوصی نیز می‌توانند به استناد این قانون در دادگاه طرح شکایت نمایند؛ اما در صورتی که نسبت به حکم صادره از مرجع بدوی اعتراضی داشته باشند از طرح درخواست تجدیدنظر محروم شده‌اند. این در حالی است که بر اساس ماده (۴۳۳)^۱ قانون آیین دادرسی کیفری، شاکی یا

→

نیست در اختیار ولی امر قرار داده می‌شود و اگر مقدار آن معلوم نباشد چنانچه صاحب آن مشخص است باید با صاحب مال مصالحه نماید ولی اگر صاحب آن مشخص نیست باید خمس مال را در اختیار ولی امر قرار دهد.

۱. ماده ۴۳۳ - اشخاص زیر حق درخواست تجدیدنظر یا فرجام دارند:

الف - محکوم‌علیه، وکیل یا نماینده قانونی او

ب - شاکی یا مدعی خصوصی و یا وکیل یا نماینده قانونی آنان

پ - دادستان از جهت برائت متهم، عدم انطباق رأی با قانون و یا عدم تناسب مجازات

مدعی خصوصی نیز از جمله اشخاصی است که حق درخواست تجدیدنظر دارد. گفتنی است نمی‌توان گفت با توجه به ماده (۴۳۳)، که به استناد آن اشخاص خصوصی هم می‌توانند درخواست تجدیدنظر بدهند، ایرادی به این ماده وارد نیست؛ زیرا در این مصوبه و در مقام بیان اشخاصی که می‌توانند از آراء موضوع این قانون تجدیدنظرخواهی کنند، توسط قانون‌گذار تعیین تکلیف شده است و دیگر امکان استناد به عمومات موجود از جمله ماده (۴۳۳) فراهم نیست. از این رو این ماده به دلیل ایجاد محدودیت در طرح درخواست تجدیدنظر مغایر اصل ۳۴ قانون اساسی می‌باشد.

همچنین توجه به این نکته نیز ضروری است که اشخاص خصوصی که قصد اعتراض به رأی صادره دارند لزوماً محکوم‌علیه نیستند. بلکه ممکن است در مواردی محکوم‌علیه همان متهم باشد اما شاکی خصوصی یا دادستان که رأی صادره نیز به نفع آنان صادر شده است مثلاً نسبت به میزان محکوم‌به اعتراض داشته باشند. فلذا نمی‌توان گفت به دلیل اینکه قابلیت اعتراض برای محکوم‌علیه پیش‌بینی شده است پس این ماده ایرادی ندارد و همه اطراف پرونده می‌توانند تجدیدنظرخواهی نمایند.

ماده (۹) - نکته

عبارت ذیل این ماده از حیث اطلاق نسبت به مواردی که موضوع و عنوان رسیدگی در مراجع موضوع این قانون و سایر مراجع یکسان است و در سایر مراجع حکم به برائت متهم صادر شده است محل تأمل است. توضیح آنکه در برخی موارد ممکن است موضوع رسیدگی در هر دو مرجع یکی باشد اما عنوان رسیدگی متفاوت باشد، به عنوان مثال فردی به دلیل

اینکه وجهی را از یک شخص دیگری دریافت کرده است در مراجع موضوع این قانون و نیز در یک شعبه کیفری عادی متهم است. عنوان اتهامی وی در شعبه کیفری رشوه و در دادگاه موضوع این مصوبه تحصیل مال نامشروع می‌باشد. در این حالت عنوان رسیدگی متفاوت است هرچند موضوع آن اخذ وجه از یک شخص خاص است. در این موارد اینکه رأی برائت در شعبه کیفری در خصوص عنوان رشوه صادر شده باشد و این امر مانع رسیدگی در مراجع موضوع این قانون نباشد، اشکالی ایجاد نخواهد کرد، چراکه اگرچه ممکن است فرد در شعبه کیفری نسبت به رشوه برائت یافته باشد، لکن در شعب موضوع مصوبه حاضر نتواند تحصیل مال مورد نظر از طریق مشروع را اثبات نماید (چراکه در شعب موضوع مصوبه حاضر اثبات مشروعیت مال با شخص می‌باشد و ضرورتاً جرمی اثبات نمی‌گردد و حکم برائت صادره از شعب کیفری در خصوص جرمی نظیر رشوه منافاتی با تحصیل مال از طریق غیرمشروع ندارد). اما اشکال در مواردی رخ می‌دهد که شخص در هر دو مرجع در یک موضوع و به استناد یک عنوان تحت تعقیب باشد. در این موارد صدور رأی در یک مرجع مشمول اعتبار امر مختومه بوده و باید مانع رسیدگی در سایر مراجع باشد. از این رو ذیل این ماده از حیث اطلاق آن نسبت به مواردی که موضوع و عنوان رسیدگی واحد است محل اشکال می‌باشد.

طرح تشکیل وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی (اعاده شده)

مقدمه

طرح فوق‌الذکر که در مرحله نخست در تاریخ ۱۳۹۷/۵/۱۰ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده بود با دو ایراد از سوی شورای نگهبان مواجه گردید و ازین رو مجلس متعاقباً در تاریخ ۱۳۹۷/۹/۷ اصلاحاتی را در مصوبه سابق خود اعمال و نزد شورای نگهبان ارسال نمود، لکن شورای نگهبان در این مرحله نیز ایرادات سابق خود را همچنان باقی دانست و لذا در این مرحله مجلس مجدداً اصلاحاتی را در مصوبه پیشین خود به منظور تأمین نظر شورا اعمال و ارسال نموده است.

شرح و بررسی

شورای نگهبان در دو بند ایراداتی را به شرح ذیل به مصوبه مجلس وارد نموده بود:

۱) براساس ایراد نخست شورا، اطلاق قوانین و مقررات مربوط به میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی در مواردی که خلاف موازین شرع باشند به عنوان قوانین لازم‌الرعايه وزارت جدیدالتأسیس مغایر شرع قلمداد شده است. در این خصوص مجلس مطابق رویه موجود درخصوص چنین ایرادی از سوی فقهای معزز شورا، اطلاق قوانین و مقررات لازم‌الرعايه از سوی وزارت جدید را، مقید به مواردی که مغایر شرع نیستند، نموده است.

به‌عنوان مثال در مواردی که اطلاق تبعیت از قانون تجارت توسط سازمان‌های دولتی به دلیل اینکه در بردانده برخی احکام مغایر شرع می‌باشد توسط شورا واجد ایراد دانسته شده است، قید «در مواردی که مغایر شرع

نباشند» رافع ایراد تلقی گردیده است.^۱

۲) شورای نگهبان در دومین ایراد خود ذیل ماده واحده که بار مالی ناشی از تغییر عنوان را از محل صرفه‌جویی تأمین نموده است با توجه به نظریه تفسیری شورای نگهبان، مغایر اصل ۷۵ قانون اساسی شناخته است. در این خصوص چند نکته وجود دارد:

اول اینکه همانگونه که در گزارش قبلی اشاره شد باتوجه به تشکیلات فعلی سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری که مشابه سایر وزارتخانه‌ها است (به نحوی که علاوه بر داشتن معاونت‌های گوناگون (هم‌اکنون شش معاونت) در کلیه استان‌ها دارای اداره کل بوده و به تبع ادارات آن در شهرستان‌ها وجود دارد) و همچنین داشتن ردیف‌های مصوب به‌عنوان ردیف‌های جاری و عمرانی در بودجه کل کشور و همچنین هم‌طرزای رئیس سازمان به‌عنوان معاون رئیس‌جمهور با وزارت و به تبع هم‌طرزای معاونان و مدیران کل سازمان با معاونان و مدیران کل وزارتخانه‌ها طرح مزبور فاقد بار مالی مشخصی به نظر می‌رسد. به‌خصوص باتوجه به اینکه براساس بند «د» ماده (۲۹) قانون مدیریت خدمات کشوری که در طرح حاضر لازم‌الرعايه دانسته شده است، تعداد معاونت‌های وزارتخانه‌ها با سازمان‌های مستقل دولتی که تحت نظر معاون رئیس‌جمهور اداره می‌شوند یکسان می‌باشد. همچنین در تبصره «۳» ماده واحده طرح

۱. به‌عنوان نمونه:

ماده ۳۲ اساسنامه شرکت مادر تخصصی تولید نیروی برق حرارتی: نسبت به مواردی که در این اساسنامه پیش بینی نشده است مقررات لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت در مواردی که مغایر شرع نباشد، معتبر خواهد بود.

حاضر به ممنوعیت هرگونه افزایش امکانات، نیروی انسانی و بار مالی وزارتخانه جدید تصریح نموده است.

لازمه ذکر است پیشتر نیز شورای نگهبان درخصوص «طرح تبدیل سازمان‌های تربیت بدنی و ملی جوانان به وزارت ورزش و جوانان» چنین موضوعی را واجد بار مالی ندانست. مطابق تبصره ماده واحده این طرح نیز مقرر شده بود «هزینه ناشی از تغییر عنوان دستگاه از محل صرفه‌جویی در هزینه‌های جاری وزارت ورزش و جوانان تأمین می‌گردد».

لذا اگرچه در ذیل مصوبه قبلی مجلس به نحوه جبران هزینه‌های ناشی از تغییر عنوان سازمان به وزارتخانه اشاره شده بود و به نظر به دلیل ذکر چنین حکمی، طرح حاضر واجد بار مالی شناخته شده بود، لکن طرح مزبور باعنایت به توضیحات فوق فاقد بار مالی مشخصی به نظر می‌رسد و در مصوبه اصلاحی حاضر نیز حکم مزبور که موجد شائبه وجود بار مالی جهت این مصوبه بود، حذف گردیده است.

دوم اینکه در صورتی که طرح مزبور در واقع و فارغ از توضیحات فوق‌الذکر مبنی بر عدم وجود بار مالی مشخص برای چنین طرحی، موجد افزایش هزینه‌های عمومی بود، صرف حذف عبارت مربوط به نحوه تأمین هزینه‌های جدید، نمی‌تواند رافع ایراد شورا درخصوص اصل ۷۵ تلقی گردد.

لایحه اصلاح قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با

مردان خارجی (اعاده شده)

لایحه فوق‌الذکر که در تاریخ ۱۳۹۸/۲/۲۳ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده بود با ایراداتی از سوی شورای نگهبان مواجه گردید. از این رو مجلس در مصوبه اصلاحی خود سعی نموده ایرادات مزبور را مرتفع نماید.

با این توضیح که در مصوبه اصلاحی قید «در صورت نداشتن مشکل امنیتی (به تشخیص وزارت اطلاعات)» جهت اعطای تابعیت افراد موضوع این مصوبه و اعطای پروانه اقامت به پدران افراد مزبور پیش‌بینی شده است، به نظر می‌رسد ایراد شورای نگهبان در این خصوص مرتفع باشد.

طرح تعیین تکلیف کارشناسان بیمه کشاورزی

(اعاده شده)

مقدمه

طرح فوق‌الذکر که پیشتر در تاریخ ۱۳۹۷/۳/۸ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده بود، به موجب نظر مجمع تشخیص مصلحت نظام مغیر بندهایی از سیاست‌های کلی نظام شناخته شده بود و ازین رو نظر مجمع جهت اقدام به مجلس ارسال گردیده بود. حال مجلس در واقع به منظور رفع ایرادات مورد نظر مجمع اصلاحاتی را در مصوبه سابق خود اعمال نموده است که در این گزارش به بررسی اصلاحات انجام شده در این خصوص خواهیم پرداخت.

شرح و بررسی^۱

در رابطه با مصوبه اصلاحی حاضر باید گفت، علی‌رغم اصلاحات نگارشی متعدد و ذکر جزئیات و تفصیل بیشتر احکام موردنظر، اصل حکم مربوط به بکارگیری اشخاص موضوع این مصوبه در برخی دستگاه‌ها

۱. کلیات و توضیحات مربوط به پیشینه قانونی کارشناسان بیمه کشاورزی در گزارش اولیه مجمع مشورتی حقوقی درخصوص این طرح ارائه گردیده است.

تغییری ننموده است و لذا به نظر می‌رسد ایرادات مذکور در نظر مجمع باقی باشد. چراکه کماکان مصوبه مزبور می‌تواند مغایر محورهای مذکور در بندهای مورد نظر مجمع تشخیص مصلحت نظام، مبنی بر «عدالت محوری در جذب، تداوم خدمت و ارتقای منابع انسانی»، «چابک سازی، متناسب سازی و منطقی ساختن تشکیلات نظام اداری در جهت تحقق اهداف چشم انداز»، «عدالت محوری، شفافیت و روزآمدی در تنظیم و تنقیح قوانین و مقررات اداری» و «صرفه‌جویی در هزینه‌های عمومی کشور با تأکید بر تحول اساسی در ساختارها، منطقی‌سازی اندازه‌ی دولت و حذف دستگاه‌های موازی و غیرضرور و هزینه‌های زاید» باشد.

چرا که این مصوبه «داشتن حداقل شش سال سابقه توسط کارشناسان بیمه کشاورزی و برخورداری از کد کارگزاری فعال در سامانه صندوق بیمه کشاورزی تا زمان تصویب این قانون را شرط استخدام افراد تلقی کرده است. در حالی که چه بسا افراد با سابقه‌تر و با مدرک و مهارت بالاتری وجود داشته باشند که در زمان تصویب قانون، فاقد کد کارگزاری فعال باشند و یا حتی اصولاً در صندوق مذکور سابقه فعالیت نداشته باشند. که به نظر چنین امری مغایر عدالت محوری در جذب است. به خصوص اینکه سازوکار شناسایی و به کارگیری نیرو در این صندوق نیز دچار کاستی بوده است. جالب اینکه در انتهای تبصره (۴) ماده واحده آمده است: «افرادی که از مجموعه بیمه کشاورزی به هر دلیلی منفک شده‌اند، مشمول این قانون نمی‌باشند».

از سوی دیگر، استخدام نیروی انسانی در هر دستگاه اجرایی، باید متناسب با مأموریت‌ها و چشم‌انداز آن دستگاه انجام شود و در صورت

تحقق چشم‌انداز هر یک از دستگاه‌ها، می‌توان انتظار تحقق اهداف سند چشم‌انداز را داشت. از این منظر، کانالیزه کردن جذب منابع انسانی وزارت جهاد کشاورزی از طریق صندوق بیمه محصولات کشاورزی، کماکان مغایر سیاست‌های کلی نظام اداری مبنی بر چابک سازی، متناسب سازی و منطقی ساختن تشکیلات نظام اداری به نظر می‌رسد. با این توضیح که امر بیمه محصولات کشاورزی، تنها بخش کوچکی از رسالت‌های وزارت جهاد کشاورزی است که از طریق بخش خصوصی در حال انجام آن است. به طور کلی، اصول متناسب‌سازی و منطقی نمودن تشکیلات نظام اداری ایجاب می‌کند که سیاست‌های جذب منابع انسانی، در راستای مأموریت‌های دستگاه اجرایی تنظیم شوند و کلیه افراد توانمند و صاحب صلاحیت در رقابت برابر، گزینش شوند.

البته فارغ از مسئله اصلی فوق و با عنایت به اصلاحات طرح حاضر نکات ذیل نیز درخصوص مصوبه اصلاحی قابل توجه می‌باشد:

اول اینکه مطابق تبصره «۳» ماده واحده، بار مالی ناشی از تصویب این قانون از محل پرداختی‌های دولت به بانک کشاورزی بابت کارمزد اجرای عملیات بیمه‌ای (به بانک و کارگزاران) تأمین خواهد شد. درحالی‌که اولاً مطابق خود ماده واحده، بکارگیری اشخاص موضوع این طرح در سقف بودجه مصوب دستگاه‌های مزبور و با رعایت بند «ث» ماده (۷) قانون برنامه^۱، دانسته شده است و در نتیجه پیش بینی محلی جهت تأمین اعتبار

۱. ماده ۷- ...

ث - کلیه تصویب نامه ها، بخشنامه ها و دستورالعمل ها، تغییرات تشکیلات، تغییر ضرایب، جداول حقوقی و طبقه بندی مشاغل و افزایش مبنای حقوقی، اعطای مجوز هر نوع استخدام و به کارگیری نیرو و همچنین مصوبات

لازم محل تامل می باشد. با این توضیح که مطابق بند «ث» ماده (۷) قانون برنامه اعطای مجوز هر نوع استخدام و به کارگیری نیرو منوط به محاسبه بار مالی ناشی از آن و تأمین در قانون بودجه کل کشور شده است. لذا تکلیف دولت در بکارگیری این اشخاص منجز نبوده و منوط به پیش‌بینی بودجه لازم شده است.

ثانیاً در نظر گرفتن منابع مربوط به کارمزد اجرای عملیات بیمه‌ای باعنایت به اینکه چنین موضوعی (بیمه نمودن محصولات کشاورزی) کماکان وجود داشته و خواهد داشت، به‌عنوان منابع تأمین اعتبار جذب کارشناسان بیمه محل ابهام است. چراکه کارشناسان جذب شده علی‌الاصول به امور دیگری گمارده خواهند شد و مجدداً کارگزاران بیمه کشاورزی وجود خواهند داشت.

دومین مسئله اینکه مطابق تبصره «۴» اصلاحی، با در نظر گرفتن مدت سابق فعالیت بیمه کارشناسان، محل ادره خدمت این اشخاص مشخص خواهد شد. به‌عنوان مثال مقرر شده فردی که حداقل ۱۳ سال سابقه فعالیت بیمه دارد در بانک کشاورزی مشغول به خدمت می شود و فردی که زیر ۱۳ سال سابقه دارد در جهاد کشاورزی خدمت خواهد کرد. درحالی‌که چنین ملاکی نمی تواند منطقی باشد، چراکه ممکن است علی‌رغم سابقه مزبور، اداره دیگر به تخصص اشخاص دیگر که سابقه متفاوتی دارند نیاز داشته باشد.

→

هیأت‌های امنا که متضمن بار مالی باشد، در صورتی قابل طرح و تصویب و اجراء است که بار مالی ناشی از آن قبلاً محاسبه و در قانون بودجه کل کشور تأمین شده باشد. اقدام دستگاه اجرائی بر خلاف این حکم، تعهد زائد بر اعتبار محسوب می شود.

دولت به گونه ای برنامه ریزی نماید که تا پایان سال آخر اجرای قانون برنامه ، بودجه سازمان ها و صندوق های بیمه گر اجتماعی مستقل شده و از محل بودجه عمومی اعتباری به آنها پرداخت نگردد.

سومین مسئله نیز ناظر به تبصره «۷» ماده واحده می‌باشد که براساس آن تحت شرایطی سوابق گذشته و معوق کارشناسان بیمه که حق بیمه آن‌ها توسط کارشناسان بیمه کشاورزی پرداخت می‌شود، توسط سازمان تأمین اجتماعی پذیرفته خواهد شد. این تبصره اگرچه مشابه تبصره «۳» مصوبه قبلی می‌باشد، لکن در تبصره قبلی تصریحی به پرداخت حق بیمه وجود نداشت. اما مسئله‌ای که در این خصوص وجود دارد آن است که حق بیمه افراد متشکل از سه بخش؛ سهم کارفرما، سهم کارگر و سهم دولت هست که مجموعاً سی درصد حقوق فرد را تشکیل می‌دهند. لکن در تبصره حاضر اگرچه به پرداخت حق بیمه کارشناسان اشاره شده است، لکن مشخص نیست حق بیمه مزبور صرفاً شامل حق بیمه سهم کارگر می‌باشد یا دربردارنده سهم کارفرما و دولت نیز می‌باشد. در صورتی که مقصود صرفاً حق بیمه سهم کارگر باشد و سازمان موظف شده باشد بدون دریافت بخش دیگر حق بیمه، سابقه فعالیت این افراد را مدنظر قرار دهد، چنین موضوعی علاوه بر افزایش هزینه‌های عمومی موجب تحمیل هزینه بر سازمان تأمین اجتماعی و در نتیجه اضرار به سایر افراد تحت شمول تأمین اجتماعی می‌گردد.

لایحه موافقتنامه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری خلق چین در

خصوص همکاری در زمینه بهداشت و قرنطینه دامی

مقدمه

لایحه موافقتنامه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری خلق چین در خصوص همکاری در زمینه بهداشت و قرنطینه دامی که به پیشنهاد وزرات جهاد و کشاورزی در جلسه‌ی ۱۳۹۵/۸/۱۶ هیئت وزیران

به تصویب رسیده بود؛ در جلسه علنی دوشنبه ۱۳۹۸/۴/۲۴ در قالب یک ماده واحده، یک تبصره و ۱۲ ماده به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید.

شرح و بررسی

الف: کلیات

با توجه به رشد جمعیت کشورها، نیازمندی به تأمین غذا و در پی آن تقاضای روزافزون برای تجارت کالاهای واجد ارزش غذایی و حجم بسیار عظیم مبادلات کالا و محصولات کشاورزی و دامی، احتمال ورود عوامل خسارت‌زای غیربومی به یک کشور افزایش یافته که نتیجه‌ی آن می‌تواند صدمات و خسارات جبران‌ناپذیری را در پی داشته باشد. در راستای کاهش این احتمال دولت‌ها اقدام به انعقاد قراردادهایی در زمینه طراحی استانداردها و ضوابطی در حوزه بهداشت و قرنطینه‌ی دامی نموده‌اند. موافقت‌نامه دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری خلق چین در خصوص همکاری در زمینه بهداشت و قرنطینه دامی نیز در راستا بهداشت و قرنطینه دام و کنترل و جلوگیری از ورود و انتشار آن‌ها به تصویب رسیده است.^۱

ب: جزئیات

بند «۴» ماده (۱) - مغایرت با اصل ۱۵

واژگان «سرم» و «واکسن» غیرفارسی است و در صورت وجود معادل فارسی عدم ذکر آن مغایر اصل ۱۵ قانون اساسی است.

بند «۴» ماده (۴) - مغایرت با اصل ۱۵ قانون اساسی

۱. شایان ذکر است تاکنون موافقتنامه‌های متعددی در زمینه قرنطینه گیاهی مابین جمهوری اسلامی ایران و سایر کشورها منعقد شده است.

واژگان «ژنتیک» و «هورمون» غیرفارسی است و عدم ذکر معادل فارسی آن مغایر اصل ۱۵ قانون اساسی است.

بند «۱»، «۳» و «۵» ماده (۵) - مغایرت با اصل ۱۵ قانون اساسی
واژه «کنترل» در بندهای «۱» و «۳» و واژه «واکسن» در بند «۵» غیرفارسی است و عدم ذکر معادل فارسی آن مغایر اصل ۱۵ قانون اساسی است.

طرح حمایت از توسعه صنایع پایین دستی نفت خام و میعانات گازی با استفاده از سرمایه‌گذاری مردمی

مقدمه

«طرح افزایش ظرفیت پالایشگاه‌های میعانات گازی و نفت خام با استفاده از سرمایه‌گذاری مردمی» که در تاریخ ۱۳۹۷/۷/۴ اعلام‌وصول شده است، در جلسه علنی مورخ ۱۳۹۸/۴/۲۴ با اصلاحاتی به تصویب رسیده است و به منظور اجرای اصل ۹۴ قانون اساسی برای شورای نگهبان ارسال شده است. در ادامه به شرح و بررسی مفاد این طرح پرداخته می‌شود.

شرح و بررسی

الف: کلیات

۱. این طرح با هدف «تقویت قدرت بازدارندگی در مقابل تحریم‌ها» و «استفاده حداکثری از منابع نفتی در عین کاهش خام‌فروشی» و نیز «تسهیل ساخت و توسعه پالایشگاه‌ها و پتروپالایشگاه‌ها» در راستای اجرایی‌کردن جزء «۲» بند «الف» ماده (۴۴) «قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی،

اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۶-۱۴۰۰)»^۱ مصوب ۱۳۹۵/۱۲/۴ تهیه و تصویب شده است.

۲. سازوکار اجرایی این طرح بدین نحو پیش‌بینی شده است که با اعطای خوراک به طرح‌های احداث یا توسعه پالایشگاه‌ها و پتروپالایشگاه‌ها^۲ طی یک بازه زمانی مشخص از شروع بهره‌برداری بدون دریافت بهای آن و به صورت تسهیلات، موجب جذب سرمایه‌گذاری لازم جهت این‌گونه طرح‌ها می‌شود؛ چراکه بیش از ۹۵٪ هزینه یک پالایشگاه، هزینه خرید خوراک آن بوده و دوره بازگشت سرمایه طرح‌های مذکور، بسیار طولانی (غالباً حدود ۱۲ تا ۱۴ سال از زمان شروع طرح) است. از این رو سرمایه‌گذاران انگیزه‌های لازم را برای سرمایه‌گذاری در این حوزه ندارند.^۳ بازه زمانی مذکور که در این طرح، «تنفس خوراک» نامیده شده است، در واقع همانند «دوره تنفس» در تسهیلات‌دهی نظام بانکی است؛ بدین معنا که تسهیلات‌گیرنده پس از اخذ تسهیلات، در بازه زمانی مشخصی هیچ‌گونه اقساطی پرداخت نمی‌کند و پس از گذشت بازه زمانی یادشده، بازپرداخت

۱. ماده ۴۴-

الف- دولت مکلف است به منظور افزایش ارزش افزوده انرژی و تکمیل زنجیره ارزش و کاهش شدت انرژی «مصرف انرژی برای واحد تولید» در طول اجرای قانون برنامه، اقدامات زیر را انجام دهد:

...

۲- تسهیلات لازم برای ایجاد ظرفیت پالایش مقدار دو میلیون و هفتصد هزار بشکه در روز نفت خام و میعانات گازی با ضریب پیچیدگی بالا توسط بخش غیردولتی را به‌نحوی برنامه‌ریزی و اجرا کند تا ترکیب تولید فرآورده آن‌ها اساساً به محصولات سبک‌تر و میان تقطیر اختصاص یابد و سهم نفت کوره در الگوی پالایش از ده درصد (۱۰٪) بیشتر نشود.

۳- نسل جدیدی از پالایشگاه‌ها به حساب می‌آیند که در آنها بر یکپارچگی بین مجتمع‌های پالایش و پتروشیمی اهتمام شده است و محصولات پتروشیمیایی نیز در میان سبد فرآورده‌های آنها به چشم می‌خورد.

۴- شایان ذکر است که ساخت یک مجموعه پتروپالایشگاه یا پالایشگاه طی مدت ۴ الی ۶ سال با استفاده از سرمایه بخش خصوصی و مشارکت مردم به‌طول می‌انجامد و در حالت معمولی بازگشت سرمایه اولیه نیز حدود ۸ الی ۱۰ سال طول می‌کشد.

تسهیلات آغاز می‌شود. در طرح حاضر نیز وزارت نفت ابتدائاً ارزش حجم سرمایه‌گذاری طرح را (غالباً براساس میزان ظرفیت طرح بر مبنای بشکه در روز) بررسی می‌کند و بر همین اساس، تعداد روزی را که خوراک، بدون دریافت بهای آن به طرح اعطا می‌شود (مثلاً ۶ ماه یا ۱ سال)، تعیین می‌کند و پس از سپری شدن این مدت، بازپرداخت تسهیلات آغاز می‌شود. در واقع، به دلیل نوسانات قیمت نفت در سال‌های مختلف، مدت دقیق دوره تنفس خوراک، «به تعداد روزی متناسب با قیمت نفت خام در همان زمان بهره‌برداری از طرح» منوط شده است که برابر با «کل هزینه سرمایه‌گذاری شده در طرح» می‌باشد.

۳. در حالت فعلی و محدودیت صادرات نفت خام به دلیل تحریم‌های ظالمانه، صادرات نفت نسبت به حالت عادی کاهش یافته است و به تبع، منابع دریافتی صندوق توسعه ملی از صادرات نفت نیز با کاهش مواجه شده است. در این مصوبه، با «صادراتی» محسوب کردن خوراک تحویلی به این طرح‌ها، در واقع منبع درآمد جدیدی برای صندوق توسعه ملی ایجاد شده است؛ چراکه در وضعیت کنونی، صندوق توسعه ملی صرفاً از نفت «صادراتی» سهم می‌برد و از فروش «داخلی» نفت، سهمی ندارد. بنابراین نه تنها در دوره بازپرداخت تسهیلات، بلکه مادامی که این طرح‌ها از خوراک داخلی استفاده می‌کنند، صندوق توسعه ملی از خوراک آن‌ها به میزان درصد تعیین شده قانونی سهم می‌برد. در واقع نفت تحریم شده که اجباراً در زیر زمین بلااستفاده مانده است، به عنوان تنفس خوراک به پالایشگاه‌ها و پتروپالایشگاه‌ها تخصیص می‌یابد و با صادراتی محسوب شدن آن، صندوق

توسعه ملی نیز در بلندمدت از این امر منتفع می‌شود.

۴. همان‌طورکه بیان شد، تحویل خوراک به طرح‌های موضوع این مصوبه، در دورهٔ تنفس، بدون دریافت بهای آن در نظر گرفته شده است که این امر می‌تواند به معنی کاهش درآمد دولت از جهت عدم دریافت بهای فروش داخلی نفت باشد. اما برای رفع این توهّم، در مصوبهٔ حاضر پیش‌بینی شده است که تنفس خوراک صرفاً از محل سهم صندوق توسعه ملی تأمین شود؛ بدین نحو که خوراک، از سرجمع سهم سالانهٔ صندوق توسعه ملی کسر شود و به حساب دولت گذاشته شود. به‌عنوان مثال، اگر در وضعیت فعلی صادرات نفت، ۱ میلیون بشکه در سال باشد، سهم صندوق توسعه ملی ۲۰۰ هزار بشکه می‌شود ولی پس از اجرای این مصوبه و با «صادراتی» محسوب‌شدن خوراک تحویلی، اگر ۲۰۰ هزار بشکه نفت به‌عنوان خوراک به طرح‌های مذکور اختصاص یابد، در حقیقت صادرات نفت، ۱ میلیون و ۲۰۰ هزار بشکه در سال محسوب می‌شود که سهم صندوق توسعه ملی هم ۲۴۰ هزار بشکه می‌شود. حال کل خوراک تحویلی، از سرجمع سهم صندوق توسعه ملی کسر می‌شود و به حساب دولت گذاشته می‌شود و در واقع سهم دریافتی صندوق توسعه ملی در آن سال، ۴۰ هزار بشکه می‌شود و ۲۰۰ هزار بشکهٔ باقیمانده را به‌صورت اقساطی از این طرح‌ها دریافت می‌کند. بنابراین این مصوبه در دورهٔ تنفس، موجب کاهش منابع دریافتی صندوق توسعه ملی می‌شود ولی همان‌طورکه ذکر شد، منبع جدیدی نیز برای صندوق توسعه ملی ایجاد می‌کند که تا زمانی که طرح‌های یادشده خوراک خود را از داخل کشور دریافت کنند، برای صندوق توسعه ملی باقی

خواهد ماند. گفتنی است مدت زمان مزبور که میزان منابع ورودی صندوق کاهش می‌یابد زیاد نخواهد بود، چراکه بلافاصله پس از پایان مدت تنفس، علاوه بر اقساط بازپرداخت تسهیلات، سهم سالانه صندوق نیز به طور کامل پرداخت خواهد شد.

۵. همان‌طور که از توضیحات پیشین مشخص است، محل تأمین بار مالی این طرح، برداشت و تسهیلات‌دهی از منابع صندوق توسعه ملی است که این امر مغایر حکم بند «۱۰» «سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه»^۱ ابلاغی ۱۳۹۴/۴/۹ مقام معظم رهبری، مبنی بر «دائمی‌شدن اساسنامه صندوق توسعه ملی با تنفیذ اساسنامه موجود» (ماده (۱۶) «قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور»^۲ مصوب ۱۳۹۵/۱۱/۱۰) و «استقلال مصارف صندوق توسعه ملی از تکالیف بودجه‌ای و قوانین عادی» بوده و در نتیجه مغایر بند «۲» اصل ۱۱۰ قانون اساسی است. در این مصوبه جهت رفع این ایراد، استفاده از سهم صندوق توسعه ملی با «اذن» مقام معظم رهبری دانسته شده است.

۱۰. ۱- تغییر نگاه به نفت و گاز و درآمدهای حاصل از آن، از منبع تأمین بودجه عمومی به «منابع و سرمایه‌های زاینده اقتصادی» و دائمی‌شدن اساسنامه صندوق توسعه ملی با تنفیذ اساسنامه موجود و واریز سالانه ۳۰ درصد از منابع حاصل از صادرات نفت و میعانات گازی و خالص صادرات گاز به صندوق توسعه ملی و افزایش حداقل ۲ واحد درصد سالیانه به آن.

۱۰-۱- استقلال مدیریت حساب‌ها از بانک مرکزی.

۱۰-۲- ارائه تسهیلات از منابع صندوق توسعه ملی به بخش‌های غیردولتی به صورت ارزی.

۱۰-۳- استقلال مصارف صندوق توسعه ملی از تکالیف بودجه‌ای و قوانین عادی.

۱۰-۴- سپرده‌گذاری ارزی حداکثر ۲۰ درصد از منابع ورودی صندوق، نزد بانک‌های عامل در قبال اخذ خط اعتباری ریالی از بانک‌های مذکور برای ارائه تسهیلات ریالی به بخش کشاورزی، صنایع کوچک و متوسط و تعاونی با معرفی صندوق توسعه ملی.

۲. ماده ۱۶- صندوق توسعه ملی که در این ماده «صندوق» نامیده می‌شود، با هدف تبدیل بخشی از عواید ناشی از فروش نفت و گاز و میعانات گازی و فرآورده‌های نفتی به ثروت‌های ماندگار، مولد و سرمایه‌های زاینده اقتصادی و نیز حفظ سهم نسل‌های آینده از منابع نفت و گاز و فرآورده‌های نفتی تشکیل می‌شود.

صندوق در تهران مستقر است و در تهران و سایر نقاط کشور شعبه‌ای نخواهد داشت. اموال و دارایی‌های این صندوق متعلق به دولت جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. این ماده در حکم اساسنامه صندوق است.

ب: جزئیات

ماده (۳) - مغایرت با اصل ۱۱۰، ابهام، نکته و تذکر

۱. نکته: با توجه به اینکه مبنای اجرای این طرح و اعطای خوراک (تسهیلات) حجم سرمایه‌گذاری صورت گرفته است، در این بند برای وزارت نفت از حیث مقام صادرکننده مجوز اولیه این اختیار پیش‌بینی شده است که کمیت و کیفیت فرآورده‌های تولیدی را بررسی کند و در صورتی که با طرح اولیه مغایرت داشت، اعم از اینکه کمیت یا کیفیت فرآورده‌های مزبور افزایش یافته یا کاهش یابد، نسبت به تعدیل میزان تنفس اقدام نماید.

۲. نکته: درخصوص عبارت «خوراک تحویلی به این واحدها از نظر قواعد مالی در حکم صادرات نفت و میعانات گازی است» در بند «ت» این ماده، این نکته درخور توجه است که با این عبارت، بودجه شرکت ملی نفت ایران با احداث هر پالایشگاه یا پتروپالایشگاه جدید کمتر نمی‌شود و تعارض منافع از بین می‌رود. تعارض منافی که از جز «۲» بند «الف» ماده (۱) «قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۲)» مصوب ۱۳۹۳/۱۲/۴ به وجود آمده است. با این توضیح

۱. ماده ۱ -

الف - به منظور تعیین رابطه مالی و نحوه تسویه حساب بین دولت (خزانه‌داری کل کشور) و وزارت نفت از طریق شرکت تابعه ذی‌ربط، معادل سهمی از ارزش نفت (نفت خام، میعانات گازی و خالص گاز طبیعی) صادراتی و مبالغ حاصل از فروش داخلی که در قوانین بودجه سنواتی تعیین می‌گردد، به عنوان سهم آن شرکت بابت کلیه مصارف سرمایه‌ای و هزینه‌ای شرکت مزبور از جمله بازپرداخت بدهی و تعهدات شامل تعهدات سرمایه‌ای و بیع متقابل و جبران خسارات زیست‌محیطی و آلودگی‌های ناشی از فعالیت‌های نفتی، خالص درآمد و هزینه‌های ناشی از عملیات صادرات با

←

که در شرایط فعلی یک از خلاءهای قانونی در حوزه انرژی و نفت و گاز کشور وجود «تعارض منافع در بودجه شرکت ملی نفت» برای احداث پالایشگاه و پتروپالایشگاه در کشور است. طبق جزء ۲ بند الف ماده ۱ قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۲) قیمت هر بشکه نفت فروخته شده به پالایشگاه های داخلی که قرار است به عنوان مبنای سهم ۱۴,۵ درصدی شرکت ملی نفت قرار گیرد، هر ساله توسط کارگروهی متشکل از نمایندگان وزارت نفت، وزارت اقتصاد و دارایی و سازمان برنامه بودجه مشخص می شود که مطابق گزارش های دیوان محاسبات، این عدد در چندین سال گذشته حدود ۱۵ الی ۱۶ دلار بوده است. بنابراین شرکت ملی نفت از فروش هر بشکه نفت به پالایشگاه های داخلی تقریباً برابر نصف هزینه استخراج آن بشکه سهم دریافت می

→

احتساب هزینه های حمل و بیمه (سیف) تعیین می شود. این سهم، از نظر مالیاتی با نرخ صفر محاسبه می شود.

وزارت نفت از طریق شرکت تابعه ذی ربط موظف است از محل سهم خود از درصدهای مذکور و سایر منابع، قراردادهای لازم را با شرکت های عملیاتی تولید نفت و گاز براساس قیمت تمام شده و در چهارچوب بودجه عملیاتی پس از مبادله موافقت نامه با سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور منعقد نماید.

...

۲- تازمانی که دولت برای مصرف فرآورده های نفتی در داخل کشور، قیمت تکلیفی تعیین می کند، برای تسویه حساب بین دولت و شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده های نفتی ایران، قیمت هر بشکه نفت (نفت خام و میعانات گازی) تحویلی به پالایشگاه های داخلی در هر سال برابر با رقمی خواهد بود که به پیشنهاد کارگروهی متشکل از وزرای نفت و امور اقتصادی و دارایی و سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور با رعایت قانون هدمندکردن یارانه ها مصوب ۱۳۸۸، به تصویب هیئت وزیران می رسد و اجازه داده می شود که مابه التفاوت این رقم با قیمت مذکور در جزء «۱» بند «الف»، به صورت حسابداری در دفاتر خزانه داری کل کشور ثبت و طبق آیین نامه اجرایی این ماده تسویه حساب شود.

کند؛ به عبارت دیگر ضرر می‌کند. اما از خام فروشی هر بشکه نفت از طریق صادرات، سهمی ۴ برابر سهم فروش به پالایشگاه‌های داخلی دریافت می‌کند که یک تعارض منافع جدی را برای شرکت ملی نفت و وزارت نفت در احداث پالایشگاه و پتروپالایشگاه به وجود آورده است.

۳. نکته: عبارت ذیل بند «ت» این ماده مبنی بر اینکه «تسویه حساب این واحدها با صندوق توسعه ملی بابت بازپرداخت اقساط تنفس خوراک، علاوه بر سهم صندوق توسعه ملی از محل فروش خوراک به آن‌ها در طی سنوات آتی می‌باشد» تصریحی بر این موضوع است که سهم صندوق علاوه بر بازپرداخت خوراک تحویلی به واحدهای موضوع این قانون، شامل سهم صندوق از اصل خوراک تحویلی به آن‌ها نیز می‌باشد. چراکه مقرر شده خوراک تحویلی به واحدهای موضوع این قانون در حکم صادرات بوده و در نتیجه صندوق مطابق سیاستهای کلی برنامه ششم و قوانین بودجه از این محل نیز سهم خواهد داشت.

۴. نکته: در این بند به منظور تسهیل فرایند اعطای تسهیلات از یک طرف و اخذ تضامین کم‌خطر از سوی دیگر به دولت اجازه داده شده است که در واقع به نیابت از صندوق توسعه ملی با اخذ قراردادی از سرمایه‌گذار، بخشی از درآمدهای حاصل از فروش فرآورده‌های موضوع سرمایه‌گذاری را متناسب با مبلغ اقساط دریافت کند. در این حالت بجای اخذ زمین یا هر وثیقه دیگری که تبدیل آن به وجوه نقد مورد نظر نهاد تأمین مالی (در اینجا صندوق توسعه ملی) سازوکاری طراحی شده است که منابع حاصل از فروش فرآورده‌ها مستقیماً در اختیار نهاد تأمین مالی

قرار می‌گیرد و پس از برداشت سهم مربوطه، مازاد در اختیار سرمایه‌گذار قرار خواهد گرفت. همچنین این بند به دولت این اختیار را داده است که بجای سازوکار فوق، سهام سهامداران شرکت مجری را تا سقف مبلغ تسهیلات اعطایی (تنفس خوراک) اخذ نماید (و به صندوق واگذار کند).

ماده (۴) - نکته، مغایرت با اصول ۷۵ و ۱۵، نکته و تذکر

۱. نکته: صندوق سرمایه‌گذاری پروژه که در بند «الف» و «پ» این ماده مورد اشاره قرار گرفته نهاد مالی است که با اخذ مجوز از سازمان بورس و اوراق بهادار تأسیس شده و به جمع‌آوری سرمایه از عموم و تخصیص آن به سرمایه‌گذاری در ساخت و تکمیل پروژه معین اشاره شده در اساسنامه صندوق، می‌پردازد.

این صندوق به‌منظور ساخت و رساندن به مرحله بهره‌برداری پروژه‌های سودآور تولیدی، به جمع‌آوری وجوه از سرمایه‌گذاران و اختصاص وجوه جمع‌آوری شده به پروژه مربوطه می‌پردازد. در این روش بانیان اجرای پروژه‌ای می‌توانند در ساختاری تحت نظارت نهادها و ارکان قانونی و به‌کارگیری عوامل و پیمانکاران مجرب، اقدام به اجرا و ساخت پروژه کنند. ساخت از طریق شرکت سهامی خاص پروژه که سهام آن متعلق به صندوق است اجرا می‌شود و در پایان دوره ساخت و آغاز دوره بهره‌برداری، سهام این شرکت قابل فروش یا عرضه در بازار بورس خواهد بود.

۲. مغایرت: حکم بند «پ» این ماده مبنی بر معافیت دارایی‌هایی که از طریق سازوکار «صندوق سرمایه‌گذاری پروژه» تأمین مالی شده‌اند از

پرداخت عوارض نقل و انتقال، موجب تقلیل درآمد عمومی می‌شود و چون طریقی هم برای جبران کاهش درآمد پیش‌بینی نشده است، مغایر اصل ۷۵ قانون اساسی است.

۳. مغایرت: استفاده از واژه بیگانه «پروژه» در این ماده بدون ذکر معادل فارسی آن، مغایر اصل ۱۵ قانون اساسی است.

۴. تذکر: در بند «ب» این ماده، عبارت «شرکت نفت ایران» به عبارت «شرکت ملی نفت ایران» اصلاح شود.

امام خمینی (ره):

و از شورایی محترم نگهبان می‌خواهم و توصیه می‌کنم، چه در نسل حاضر و چه در نسل آ آینده، که با کمال دقت و قدرت و ظایف اسلامی و ملی خود رایا و تحت تأثیر هیچ قدرتی واقع نشوند و از قوانین مخالف با شرع مطهر و قانون اساسی بدون هیچ ملاحظه جلوگیری نمایند.

(سخن امام، ج ۲۱، ص ۴۲۲)



بزهشکده شورای نگهبان

تهران، خیابان شهیدسپهبد قزنی، کوچه خسرو، پلاک ۱۲

صندوق پستی: ۱۴۶۳-۱۳۱۴۵ تلفکس: ۸۸۳۳۵۰۴۵

info@shora-rc.ir

www.shora-rc.ir